روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

شنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۳ • ۲۸ محرم ۱۴۴۶ • ۳ آگوست ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۸۹۳ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۰ • اذان مغرب ۱۹:۲۶ • اذان صبح فردا ۳:۳۹ • طلوع آفتاب ۵:۱۵

شهرستان رامیان بزرگ‌ترین تولیدکننده توت‌فرنگی در گلستان و یکی از قطب‌های تولید این محصول در کشور است و استان گلستان بعد از کردستان و مازندران سومین تولیدکننده توت‌فرنگی کشور است. عکس: علیا عسگری، مهر

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

در سیستان‌وبلوچستان چه می‌گذرد؟

این آمارهای خوش‌خط‌وخال!

محمدبلوچزهی

سیستم مدیریتی فرسوده، پیر و زمین‌گیر ما بسان جوانی می‌ماند خام‌اندیش که همه آمال و آرزوهای خویش را در دنیای انتزاع و در قالب اصطلاحات پرطمطراق و آمار و ارقام خوش‌خط‌وخال می‌بیند و همواره با فخر از آن می‌آورد سخن به میان، به امید آنکه با همین رویه سامان ببخشد اوضاع را!

سخن از این است که وقتی از طرف روزنامه «شرق» لینک اخبار رکوردشکنی تاریخی اقدامات فرهنگی و هنری در سیستان‌وبلوچستان برای بنده ارسال شد تا نظر خویش را دراین‌باره بدارم اظهار، به قول معروف ماندم که زارزار گریه کنم بر این درد گران یا که قاه‌قاه بخندم بر آن از این‌همه خوش‌خیالی مقامات فرهنگی گرام!

متولیان فرهنگ و هنر در گفت‌وگویی ضمن ابراز خرسندی از «رکوردشکنی باورنکردنی سیستان‌وبلوچستان در برگزاری کنسرت!» اظهار داشته‌اند که این استان با برگزاری ۴۱۹ کنسرت موسیقی بیشترین تعداد کنسرت‌های برگزارشده در کشور را طی سال ۱۴۰۱ داشته و این درست عین همان خبری است که به نقل از وزارت فرهنگ و ارشاد منتشر شده، نه سایر سازمان‌ها و نهادهای موازی فرهنگ و هنر که نسبت به این مقوله تخصصی نگاهی غیرکارشناسی دارند و درکی سطحی.

گذشته از درستی یا نادرستی این‌گونه آمار و اخبار، آنچه جای تأمل دارد و درنگ راهی است که گم کرده‌ایم و اشتباه می‌نماییم‌اش طی و اولویت‌هایی که چنین جابه‌جا شده و سطح برنامه‌های اجرائی که این‌چنین تقلیل یافته و خلاصه شده به آمار و اعدادی این‌چنین خوش‌خط‌وخال و غیراولویت‌دار! به‌راستی که سخت دل خوش کرده‌ایم صرف به آمار! سخت!

حال در استانی که به گفته مسئولانش در سطح کشور رکورددار بیشترین رقم برگزاری کنسرت است و در طول یک سال، تنها ۴۱۹ اجرای موسیقی توسط هنرمندان ملی اجرا شده، باید توجه داشت که ده‌ها نفر از هنرمندان و اساتید پیش‌کسوت موسیقی محلی‌اش، یا خانه‌نشین هستند و بی‌کار و یا اینکه در بستر بیماری افتاده‌اند و درگیر فقر هستند و مصیبت‌های بی‌شمار.

گرچه این با آن منافاتی ندارد، یعنی برگزاری کنسرت موسیقی توسط هنرمندان ملی که احتمالا بخش خصوصی برگزار کرده و با درخواست خود هنرمندان دخیل در این کار، اما پرسش اینجاست که از رقم ۴۱۹ کنسرت برگزارشده چه تعداد به منظور حمایت از هنرمندان و اساتید فاخر موسیقی محلی سیستان‌وبلوچستان اجرا شده و توسط ایشان؟ حتی نیز اگر از اجرای کنسرت موسیقی محلی در سطح استان هم بگذریم، پرسش دیگری نیز که در این میان با آن مواجه خواهیم شد این است که مقامات فرهنگی در همان سال ۱۴۰۱ زمینه اجرای چند کنسرت را برای اساتید موسیقی محلی سیستان‌وبلوچستان در تهران و سایر کلان‌شهرها فراهم کرده‌اند؟

نباید از نظر دور داشت که اکثریت هنرمندان و اساتید موسیقی این استان فقط از راه اجرای موسیقی در محافل محلی و جشن‌های هرازگاه عروسی امرار معاش می‌کنند و روزگار را سپری و دیگر هیچ شغلی جز این نیز ندارند. حال پرسش دیگر این است که چه اقدامی برای ارتقای سطح فرهنگ و هنر بومی و نیز معیشت اساتید برجسته بلوچ و سیستانی طی این مدت سه‌ساله دولت سیزدهم انجام گرفته؟ از این دست اقدامات و آمار و ارقام‌های کارساز چه دارید برای ارائه؟

در خبری دیگر نیز آمده است این‌چنین که «۹ سالن سینمای مدرن در شهرهای مرزی سیستان‌وبلوچستان افتتاح شد!» اگر به نصب حداقل تجهیزات سمعی و بصری و امکانات نمایش فیلم در سالن جلسات مجتمع‌های فرهنگی و هنری‌ای که حدود ۲۰ سال پیش ساخته شده‌اند می‌توان احداث سالن‌های مدرن گفت، هیچ حرفی نیست؛ منتها پرسش سوم را چنین باید طرح کرد که سوای ارائه آمار و ارقام و کمیت سالن‌های تجهیزشده، چه مکانیسمی به منظور بالابردن کیفیت و بهره‌وری به‌اصطلاح این سینماهای مدرن و پیوستن آن به جرگه سینماهای سراسری فعال برای اکران هم‌زمان فیلم‌های روز در نظر گرفته شده است؟

اصلا گذشته از اینها، آیا این سالن‌های به‌اصطلاح مدرن سینمایی راستی‌آزمایی شده‌اند که درحال‌حاضر از چه وضعیتی برخوردار هستند؟ فعالند یا غیرفعال؟ پس ارائه صرف آمارهای خوش‌خط‌وخال و حتی نیز تجهیز سالن‌ها به امکانات پخش فیلم و نمایش بی‌آنکه بهره‌وری داشته باشند نه‌تنها نمی‌تواند سازنده باشد و ارتقای زیرساخت‌های فرهنگی را در پی داشته باشد، بلکه باعث هدررفت منابع خواهد شد و از همه مهم‌تر، اثربخش‌نبودن اقدامات و ملموس‌نبودن‌شان، چون نیش ماری خواهد بود بر اعتماد مردم. غیر از این است مگر؟!

۵۰۰۰ کیلومتر

جراحی با پنج هزار کیلومتر فاصله اتفاقی بود که در چین رخ داد و انتشار ویدئوی آن در شبکه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. این جراح با ربات جراحی یک تومور را از ریه بیمار درآورده است. این عمل به مدت یک ساعت طول کشیده است. سال پیش هم در استان ژجیانگ چین با کمک یک ربات مجهز به نسل پنجم شبکه تلفن همراه، با موفقیت کیسه صفرا از بدن یک بیمار در فاصله حدود چهارهزارو ۶۵۰ کیلومتری خارج شد.

۲۵۰ میلیارد

طی چند روز گذشته و با نزدیک‌شدن به ایام اربعین، در شبکه‌های اجتماعی مواردی در راستای کمک به اجرائی‌شدن راهپیمایی اربعین مطرح شده است. اتفاق مهم اسنادی است که درباره اعطای مبلغ ۲۵۰میلیاردی وزارت کار در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده و این وزارتخانه هنوز آن را تکذیب نکرده است. یکی از روحانیون اصولگرا از مردم درخواست کرده تا با مبالغ بالای ۵۰ هزارتومان در تأمین غذای زائران شرکت کنند.

۱ محیطبان

«غلامرضا حیدری»، محیطبان در سیاهکل هنگام گشت‌زنی مورد حمله یک خرس قهوه‌ای قرار گرفت و با اینکه مسلح بود از اسلحه برای حفاظت از خود استفاده نکرد. او به‌شدت مجروح شد. او با مشاهده خرس قهوه‌ای ماده که دو توله همراهش بود قصد دورشدن از محل را داشت که خرس مادر به دلیل احساس خطر و حفاظت از توله‌هایش به او حمله‌ور شد و تلاش این محیطبان برای نجات از چنگال این خرس چند دقیقه‌ای به طول انجامید.

گفت‌وگو با الهه حصاری به بهانه حضور در سریال زخم‌کاری

شخصیت «کیمیا» پر از چالش و پیچیدگی بود

مخاطب امروز باهوش و سخت‌پسند است

سپیده شریعت رضوی

«کیمیا» با بازی الهه حصاری در فصل اول سریال «زخم‌کاری» نشان داد یکی از زنان تأثیرگذار در زندگی «مالک» و ریزآبادی‌ها است. «کیمیا» پس از آنکه سعی کرد به «مالک» نزدیک شود و به‌واسطه رابطه عاطفی که برقرار کرده است «مالک» را سرکیسه کند، با «سمیرا» آشنا شد و «سمیرا» او را از ادامه این رابطه برحذر داشت. در فصل دوم، او کاراکتری دلسوز برای خانواده «مالک» بود و سعی می‌کرد «میثم» و «سمیرا» را راهنمایی کند و آنها را از طلوعی دور کند. در فصل سوم و با بازگشت «مالک»، نقش او پررنگ‌تر می‌شود؟ هم‌زمان با پخش قسمت هفتم، بر آن شدیم تا با الهه حصاری، بازیگر نقش «کیمیا» به گفت‌وگو بنشینیم که در ادامه می‌خوانید.

خانم حصاری شما با ایفای نقش «کیمیا» در سریال «زخم‌کاری»، طبقه بازیگری خود را عوض کردید. درباره این مسئله برایمان بگویید.

کاراکتر «کیمیا» برای من یک نقش متفاوت و جذاب بود و اتفاقی درجه یک در کارنامه کاری‌ام محسوب می‌شود. من هرآنچه را که دوست داشتم و در توانم بود، تلاش کردم برای «کیمیا» رقم بزنم، کمااینکه با بازخورد مخاطبان خدا را شاکرم که این اتفاق افتاد.

برایمان بگویید با توجه به پیچیدگی‌های فراوان این نقش با چه چالش‌هایی مواجه بودید؟

شخصیت «کیمیا» پر از چالش و پیچیدگی بود و از همان بدو ورودم به قصه باید هم مخاطب را جذب می‌کردم و هم کاراکتر را به نحوی جلو می‌بردم که مشخص نباشد قرار است چه اتفاقی را رقم بزند. به یاد دارم نقدی درباره نقش من نوشته شده بود با عنوان «معصوم یا خطرناک؟»؛ این برایمان خیلی جذاب بود و نشان می‌داد تا حدی توانسته‌ام آنچه را که مد نظر بود، به منصه ظهور برسانم.

شما در اغلب صحنه‌ها با جواد عزتی هم‌بازی هستید و پس از آن رعنا آزادی‌ور؛ بازیگران بزرگی که یکی از بهترین نقش‌های خود را در زخم‌کاری ایفا می‌کنند. از تجربه این هم‌بازی‌شدن برایمان بگویید. چقدر شما را در مسیر رسیدن به نقش‌تان و سکانس‌های متقابل همراهی کردند؟

تمام بازیگران پروژه «زخم‌کاری» و عوامل آن، بسیار حرفه‌ای و درجه یک هستند و من شانس بزرگی داشتم با آنها همکار شدم. جواد عزتی از نظر من، رو دست ندارد و از ایشان بازیگری را آموختم و یاد گرفتم. ایشان یکی از بهترین پارتنرهایی بود که با او کار کردم؛ چه به لحاظ هنرمندبودن و چه به لحاظ صبر و حوصله و همچنین هوش. درباره رعنا آزادی‌ور نیز باید بگویم که شخصیت ایشان را بسیار دوست دارم و حتی سال‌ها بود که به دنبال فرصتی برای هم‌بازی‌شدن با او بودم. خوشحالم که در «زخم‌کاری» این افتخار نصیبم شد.

«زخم‌کاری» تصویری متفاوت از زنان ایرانی در سریال‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی ارائه داده است و شاهد حضور زنانی کنش‌گر، انتقام‌جو، تأثیرگذار و قدرتمند هستیم که نه‌تنها باعث ارتقای جایگاه زنان در این مجموعه هستند، بلکه باعث افزایش جذابیت آن نیز شده‌اند. نظر شما چیست؟

سریال «زخم‌کاری» تصویری بسیار متفاوت از زنان در جامعه ارائه کرد و همچنین تأثیرات آنها را شاهد بودیم. به نظر من یکی از دلایل جذابیت «زخم‌کاری» می‌تواند تأثیرگذاری درست و به جای زنان در این قصه باشد هرچند دانسته و آگاهانه برخی کارها را انجام می‌دهند.

از همکاری خود با محمدحسین مهدویان برایمان بگویید.

من پس از تماشای «ماجرای نیمروز»، آثار ایشان را دنبال می‌کردم و همیشه این مسئله در پس ذهنم بود که ای کاش بتوانم با این کارگردان باهوش که نگاه متفاوتی دارد، کار کنم. خدا را شکر این فرصت فراهم شد و به‌جرئت می‌توانم بگویم آن روز که با من برای این همکاری تماس گرفتند، یکی از بهترین روزهای زندگیم بود و بسیار خرسند شدم. بسیار از ایشان آموختم و از همکاری با یک گروه حرفه‌ای لذت بردم.

استقبال مخاطبان از فصل سوم چگونه بوده است؟

مخاطب امروز، مخاطبی باهوش و سخت‌پسند است و اگر آنها و نگاهشان نباشند و وقت صرف کارهای ساخته‌شده نکنند، خستگی عوامل به تن‌شان می‌ماند. پس استقبال مخاطبان می‌تواند باعث شود کِیف ما چندبرابر شود و اگر آنها نباشند، لزومی برای ساخت آثار نیست. خوشحالم «زخم‌کاری» مخاطب خاص خود را دارد و این را مدیون زحمات شبانه‌روز عوامل هستیم.

آقای رئیس‌جمهور

شروین حاجی‌پور به زندان نرود

چند ساعت پس از مراسم تحلیف در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی یک درخواست از رئیس‌جمهور جدید، مسعود پزشکیان، تبدیل به مطالبه عمومی شد و از او می‌خواهند برای زندان‌نرفتن «شروین حاجی‌پور»، خواننده ترانه «برای» تلاشی انجام دهد تا او به زندان نرود. در برخی از ستادهای انتخاباتی «پزشکیان» در شهرستان‌ها ترانه «برای» پخش می‌شد. حتی آن زمان وکیل او نوشت: «چگونه ممکن است یک آهنگ در مهرماه ۱۴۰۱ فعالیت تبلیغی علیه نظام و اغواکننده مردم برای جنگ و کشتار باشد اما ۲۱ ماه بعد همین آهنگ ترغیب‌کننده مردم به حضور حداکثری در پای صندوق‌های رأی!؟».

درگیراندوه

«مسعود پزشکیان» تنها ساعاتی پس از نشستن بر صندلی ریاست‌جمهوری با یک اتفاق بزرگ یعنی ترور «اسماعیل هنیه» روبه‌رو شد.

اتفاقی اندوهناک که سبب شد او و بسیاری اشک بریزند و او در پیام خود نوشت: «دیروز دست فاتح او را بالا بردم و امروز باید بر روی شانه‌هایم او را تشییع کنم».

یک خواننده در زندان

غروب سه‌شنبه ۹ مرداد بود که «شروین حاجی‌پور»، خواننده، ویدئویی را منتشر کرد و اعلام کرد باید برای سه‌سال‌و هشت ماه به زندان برود.

اودر ویدئویی که منتشر کرده بود، گفت: «من چگونه باید اعتراض می‌کردم؟ چگونه باید شرایط را نقد می‌کردم؟ مسالمت‌آمیزتر و مدنی‌تر از «برای» مگر می‌شود نقد کرد؟». او که بغض کرده بود، گفت که نمی‌خواهد به زندان برود و نمی‌خواهد از ایران برود.

کارزار لغو حکم

پس از آن بود که ابتدا کارزاری برای لغو این حکم راه‌اندازی شد و بسیاری با انتشار متن این کارزار و تأکید بر اینکه «جای هنرمند در زندان نیست»، درخواست خود را مطرح کردند.

در متن کارزار خطاب به رئیس قوه قضائیه آمده است: «وفاق ملی مبارکی را که در مراسم تحلیف رئیس‌جمهور شاهد بودیم، با شیرینی خبر تبرئه شروین حاجی‌پور تقویت کنید. هر آنچه شروین حاجی‌پور در ویدئوی اخیر خود می‌گوید، حرف حساب است و زندانی‌کردنش غیرعادلانه. امید به بسط عدالت و گشایش و وفاق را با نقض این حکم زنده کنید».

حمایت همایون شجریان

بسیاری از اهالی موسیقی و هنرمندان از این کارزار حمایت کردند.

همایون شجریان نیز با پیوستن و امضای کارزار «تبرئه شروین» خواهان توقف حکم زندان این خواننده معترض شده است.

این درخواست در وب‌سایت کارزار آغاز شده و حداقل ۱۰ هزار نفر آن را امضا کرده‌اند.

همچنین در شبکه‌های اجتماعی این هشتگ «شروین حاجی‌پور» استفاده شده است.

درخواست از پزشکیان

اما هم‌زمان یک اتفاق دیگر هم رخ داد که به‌سرعت بر تعداد درخواست‌کنندگان آن اضافه شد و آن مطالبه از رئیس‌جمهور بود. این درخواست به‌سرعت تبدیل به یک مطالبه ۹۰هزارنفری شد. در متن آن آمده است: «با پیگیری شخص جناب‌عالی این حکم متوقف شود. این یک درخواست دسته‌جمعی «برای... شروین» است».

این درخواست با یک عکس همراه بود که در شبکه‌های اجتماعی به گفته برخی فعالان موسیقی ۲۸ میلیون بار بازدید شده است.

انتظار

این درخواست‌ها از رؤسای دو قوه مجریه و قضائیه به مسالمت‌آمیزترین شکل مطرح شده است. باید دید آیا مورد توجه قرار خواهد گرفت؟

رسانه‌خوانی

بازهم جای خالی اعتماد

واکنش‌ها به ترور «اسماعیل هنیه» در شبکه‌های اجتماعی ادامه دارد. هنوز جزئیات خاصی درباره ابعاد این اتفاق تلخ اعلام نشده است. در رسانه‌های کشورمان به‌ندرت درباره چگونگی این اتفاق و رخدادی که منجر به این حادثه تأسف‌بار شده، می‌توان اطلاعی پیدا کرد. اکثر رسانه‌ها براساس دو بیانیه سپاه پاسداران به جزئیاتی نظیر مکانی در آسایشگاه جانبازان و ورود پرتابه اکتفا کردند. این بار نیز رسانه‌های جهان و مطالبی در شبکه‌های اجتماعی بودند که منبع خبر و انتشار گزارش شدند.

۵ منبع یا ۷ منبع؟

یکی از شوخی‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی می‌شود درباره گزارش چندی پیش رویترز بود که یک خبرنگار ایرانی براساس اطلاعات پنج منبع درباره انتخابات نوشته بود. پنج منبعی که در یک جلسه مخفیانه حضور داشتند و هر پنج منبع با رویترز صحبت کرده بودند. در دو روز گذشته نیز نیویورک‌تایمز گزارشی توسط یک خبرنگار ایرانی منتشر کرد. در این گزارش به سخنان پنج تا هفت منبع درباره چگونگی ترور استناد شده بود. طبق این گزارش، توسط بمبی که دو ماه پیش در محل استراحت «اسماعیل هنیه» جای‌گذاری شده بود، ترور روی داده بود. اگر از منظر حرفه‌ای این دو گزارش را بررسی کنیم، می‌توان سؤال‌های بی‌جواب بسیاری درباره آنها مطرح کرد.

تغییر کلمات

اتفاقی که در رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور رخ می‌دهد نشان از سوگیرانه‌بودن اخباری است که در آنها منتشر می‌شود. مثلا در یکی از این شبکه‌ها از کلمه «کشته‌شدن» به‌جای «ترور» استفاده می‌شود؛ درحالی‌که اتفاقی که در تهران رخ داد از هر منظری فقط با کلمه «ترور» یا «سوءقصد» توصیف می‌شود. اگر این اتفاق در یک بخش خبری رخ می‌داد آن را فقط یک اشتباه خبری می‌شد، ارزیابی کرد، اما اگر در تمام ۲۴ ساعت این کلمه در زیرنویس و در متن مجریان اخبار تکرار شود، بی‌تردید یک سیاست رسانه‌ای است.

عمال صهیونیستی

اما در ایران هم دو اتفاق عجیب رخ داده؛ یکی ماجرای توییت وزیر ارشاد است که با انتشار عکس ابراهیم رئیسی، امیرعبداللهیان، سردار سلیمانی و اسماعیل هنیه و یک آیه همراه بود. بسیاری برداشت کردند که او نحوه کشته‌شدن شهید رئیسی را نیز همانند دو ترور دیگر در تهران و بغداد می‌داند. اما او چندی بعد جملاتی به آن اضافه کرد که سوءبرداشت‌ها کم‌رنگ شود. از طرفی، همشهری‌آنلاین که زیر نظر علیرضا زاکانی، شهردار تهران قرار دارد در خبری که پس از ترور «اسماعیل هنیه» درباره نصب پرچم سرخ بر جمکران بود از اصطلاح «عمال صهیونیست» استفاده کرد. در متن این خبر آمده است: «پرچم سرخ یالثارات الحسین در پی شهادت شهید اسماعیل هنیه که سحرگاه امروز ۱۰ مردادماه به دست عمال رژیم صهیونیستی در تهران به شهادت رسید، بر فراز گنبد مسجد مقدس جمکران به اهتزاز درآمد». به گزارش انطباق، بخش اصلی خبر را تقریبا همه رسانه‌ها منتشر کردند اما بدون این حاشیه‌نگاری! هیچ‌کدام از رسانه‌ها حتی مشرق و تسنیم نیز اشاره‌ای به عمال رژیم اسرائیل در این کشور نکردند. در ادامه تعریضی به این خبر نوشته است: «مترادف واژه عمال را کارکنان، کارگزاران، گماشتگان، مزدوران به کار می‌برند و مشخص نیست که بازنشر خبر با این ادبیات در رسانه‌ای که این روزها از زاکانی خط می‌گیرد چه معنا دارد ولی کاش اگر منظور خاصی دارند با صراحت اعلام کنند تا افکار عمومی نیز روشن شود». نکته اینجاست که هرکدام از این خبرها و توییت‌ها سبب افزایش گمانه‌زنی‌ها شده است.

یک سؤال همیشگی

در طی این چند سال -که از سال ۹۸ بلکه هم بیشتر شده- هربار که اتفاقی رخ می‌دهد این سؤال مطرح شده که چرا مقامات اعتمادی به رسانه‌ها و خبرنگاران مستقل ایران ندارند؟ اگر پس از این اتفاق بزرگ و تلخ، با برگزاری یک نشست خبری، جزئیاتی در اختیار رسانه‌های ایران قرار می‌گرفت، این حجم انبوه خبرهای غیرواقعی، گمانه‌زنی‌ها و ترس‌ها بابت جنگ احتمالی کاهش پیدا نمی‌کرد؟ اتفاقی که در این ۷۲ ساعت رخ داده است، مهیب بود و رسانه‌ها می‌توانستند با انتشار اخبار دقیق بخشی از نگرانی‌های مردم و گمانه‌زنی‌ها درباره نحوه این ترور را برطرف کنند. خبرنگاران و رسانه‌های مستقل همواره از سوی نهادهای امنیتی تحت فشار هستند ولی آنها همیشه در تلاش‌اند که اخبار به صورت دقیق و کامل منتشر شود. در این روزهای پردلهره با دقت و جسارتی که دارند قطعا می‌توانستند مورد اعتماد باشند.